علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و دوم، شمارهٔ ۸۵ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، زمستان ۱۴۰۳، ص۱۱۲-۱۳۲

بررسی فقه الحدیثی روایت «اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ»

محسن کبیری راد[۱] / سید محسن موسوی[۲] / زینب سادات حسینی[۳]

چکیده: سالمندان، نیازمندی‌ها، شرایط، استعدادها و توانایی‌های مختلفی دارند. جامعه‌ای سالم و صالح است، که برای تمام اقشار با توجه به شرایط و خصوصیات آنان، حقوق و احکام متفاوتی وضع کند، مخصوصا سالمندان که روزی جامعه را ساخته‌اند ولی امروز از نظر جسمی ناتوان شده‌اند؛ لذا باید به عنوان مهمترین قشر، به آنان رسیدگی شده و حکومت به واسطه خدمات و زحمات این افراد، باید حقوقی مختص ایشان وضع‌کند. در این مقاله با بررسی فقه‌الحدیثی روایت «ابي حمزه عن رجل بلغ به علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام قال:مرشیخ مكْفوف كبير يسأل فقال علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام مَا هَذَا؟فَقَالُوا يَاأَمِيرالْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام نَصْرَانِيٌّ!فَقَالَ علی بن ابی‌طالب عليه‌السلام اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَاكَبِروعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ؟!أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.» به بررسی حقوق سالمندان در جامعه اسلامی پرداخته شده است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای وبا بررسی آیات و روایات و تشکیل خانواده حدیثی مشخص شد که با وجود اینکه این روایت مرسل است ولی روایات متعدد دیگری در تأیید آن وارد شده‌است و مجموعه این اخبار و ادله اثبات می‌کند که باید حقوق خاصی برای این افراد در نظر گرفته‌شود اما این حقوق محدودیت خاص خود را دارد.

کلیدواژه‌ها: سالمندان؛ حکومت اسلامی؛ درایت الحدیث.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۹؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰.

۱. دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه خراسان؛ مشهد؛ ایران؛ نویسنده مسئول
mohsenkabirirad@gmail.com.

۲. دانشیار رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه مازندران بابلسر ایران.
m.musavi@umz.ac.ir

۳. دانشیار رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه مازندران بابلسر ایران. z.hosseini@umz.ac.ir

۱. بیان مساله

از آغازین روزهای پیدایش دین مبین اسلام تا به امروز که معارف قرآنی و اسلامی در حال انتشار است، این دین همیشه رویکردهای مختلفی متناسب با اقشار جامعه داشته است. در اسلام برخورد با هر قشری مناسب با نیازها و موقعیت‌های اجتماعی آنان صورت می‌گیرد. اما در جامعه اسلامی مسائل مربوط به اقشار اجتماعی از چند جهت بررسی می‌شود: یک؛ مسئولیت آن قشر نسبت به خود که به آن مسئولیت‌های فردی می‌گویند، دوم؛ مسئولیت‌های جامعه نسب به آن قشر که به آن تعبیر به مسئولیت اجتماعی می‌شود، سوم؛ مسئولیت حکومت نسبت به آن قشر که مسئولیت حکومتی یا حقوق اجتماعی گفته می‌شود و چهارم؛ محدودیت‌ها وآزادی‌های مخصوص این قشر از جامعه که قانون‌گذار برای این امر قوانین خاص خود را طراحی کرده است.

یکی از اقشار که در جامعه امروز بسیار به چشم می‌خورند، قشر سالمندند که با پیر شدن جامعه، به تعداد این قشر افزوده و از تعداد قشر جوان کاسته می‌شود. این قشر در حکومت اسلامی دارای حقوق و مزایای خاص خود است که باید برای آنان تأمین گردد. در این پژوهش در قالب بررسی فقه الحدیثی روایت امیر المؤمنین علی علیه‌السلام که مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام ذکر می‌کند به بررسی این حقوق پرداخته می‌شود.

در این مقاله هم به بررسی وثاقت سندی و هم به بررسی وثاقت صدوری روایت مورد نظر پرداخته شده و با تشکیل خانواده حدیثی محدوده و مزایای مختلف آن‌ها مشخص می‌گردد. روایت عبارتست از:

امیرالمونین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام از کنار پیر مرد نابینایی که در حال گدایی بود عبور می‌کردند. امام فرمودند: «این چه وضعیتی است (چرا این پیر مرد گدایی می‌کند)؟» جواب دادند: «وی نصرانی (مسیحی) است». امیرالمونین علی علیه‌السلام فرمودند: «تا آن زمان که قدرت کار کردن داشت و جوان بود از او استفاده کردید و حال که پیر شد و فرتوت شده و قدرت کار کردن ندارد، به حال خود راهایش کردید (تا گدایی کند)؟ سپس امیرالمونین علی علیه‌السلام دستور دادند تا از بیت المال مخارج زندگی او را تأمین کنند». (طوسی، ۱۴۰۷ق ۶:۲۹۳؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۱:۴۹)

۲. اعتبار سنجی روایت

در این بخش به بررسی فقه الحدیثی روایت پرداخته می‌شود که با بهره گیری از شیوه‌های اعتبار سنجی سندی و دلالی به بررسی اعتبار روایت و نیز فهم بهتر آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. بررسی وثاقت سندی

این روایت از نظر سندی مرسل است که با استفاده از نرم افزار درایت الحدیث به بازسازی رجال حدیث پرداخته شد و نتیجه آن به شرح ذیل است.

در متن سند این روایت کلمه «رجل» ذکر شده است که به همین جهت سند روایت مرسل می‌گردد.

«محمد بن عیسی عبیدی» در متن سند ذکر شده است که در مورد ایشان مرحوم نجاشی و شیخ طوسی اختلاف دارند. مرحوم نجاشی وی را ثقه و امامی معرفی می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۳۳۳) و حتی به دیگران خرده می‌گیرد که بی‌هیچ دلیلی ایشان را تضعیف کرده‌اند. (همان، ۳۴۸) در مقابل، شیخ طوسی در رجال، جایی قمی‌ها را مورد عتاب قرار می‌دهد که ایشان را تضعیف کرده‌اند و مرحوم شیخ طوسی این تضعیف را قبول ندارد. (طوسی، ۱۴۲۷ق، ۳۹۱) و در جای دیگر وی را تضعیف می‌کند. (همان، ۴۴۸) ایشان در الفهرست می‌فرماید که مرحوم ابوجعفر ابن بابویه نیز عبیدی را از ذیل توثیق عام مشایخ نوادر الحکمه خارج کرده است (همان، ۱۴۲۰ق، ۴۰۲) و وی را ثقه نمی‌داند. خلاصه در این باب اختلاف قول نجاشی مقدم می‌شود و وی ثقه خواهد بود. در مورد سایر راویان اختلافی در ثقه بودن و امامی بودنشان نیست.

۲-۲. بررسی وثاقت صدوری

در بررسی وثاقت صدوری ابتدا به بررسی آیات پرداخته می‌شود و روایت را به قرآن عرضه می‌گردد تا روشن شود که آیا آن مخالف آیات است یا خیر؟ جهت دستیابی به این نتیجه، ابتدا آیات در مورد احترام به والدین و سپس کاهش محدودیت‌های سالمندان ذکر شده و سپس با آیات در مورد اهل ذمه و اهل کتاب تطبیق شده است.

۲-۲-۱. عرضه روایت به قرآن

در این بخش از مقاله روایت به قرآن عرضه می‌گردد و در چهار بخش به بررسی این روایت و تطبیق آن با قرآن پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱-۱. آیات مربوط به احترام به والدین در هنگام سالخوردگی

۱- خداوند متعال در سوره اسراء آیه ۲۳ می‌فرماید: « به والدین (خود) احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سن سالمندی رسیدند، (آن قدر به آن‌ها احترام بگذار و حتی) به آن دو اوف نگو و با ایشان با عصبانیت رفتار نکن و با آن دو به نیکی صحبت کن ».

در عبارت «إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ» آیه، چه خصوصیتی در این سن وجود دارد که خداوند متعال آن را تأکید می‌نماید؟. کلمه «إما» ترکیبی از «إن» شرطیه و «مای» زائده است، که اگر این ما، زائده نبود نباید نون تأکید ثقیله در آخر فعل شرط، بیاید زیرا اثر مای زائده این است که اجازه می‌دهد نون ثقیله بیاید. (طوسی، بی‌تا، ۶:۴۶۵)

کلمه «کبر» به معنای سالمندی است و کلمه «اف» مانند کلمه «آخ و اه و...» در فارسی، درد و ناراحتی را می‌رساند. کلمه «تنهر» به معنای رنجاندنی و ناراحت کردن که با اهانت و داد زدن انجام می‌گیرد و وی را خشمگین می‌کند و یا با زشت یا درشت حرف زدن همراه باشد. به نظر مرحوم علامه طباطبایی اگر حکم را اختصاص به دوران سالخوردگی والدین داده است برای این بوده که والدین، در آن دوران سخت‌ترین و نیازمندترین حالات را دارند و بیشتر احساس نیاز کمک و توجه از فرزند دارند، زیرا در بر آوردن بسیاری از نیازها و بدیهیات زندگی خود ناتوانند و نیازمند هستند و همین کمک و توجه در دوران سالخوردگی یکی از آرزوهای پدر و مادر است، که ایشان همواره از فرزندان خود می‌خواهند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۳: ۷۹)

آیه شریفه خصوصیت سالمندی و نیازمندی والدین را در نظر گرفته است و در این زمان تاکید می‌کند که ایشان رنجانده نشوند.

۲- « در مقابل پدر و مادر تواضع داشته باش و غرور خود را کنار بگذار، و همواره بخواه از

پروردگارت (و فراموش نکن) همان طور که والدینم، من را در کودکي مورد محبت و مهربانی قرار دادند تو نیز آن‌ها را مورد رحمت و مهربانی خود قرار بده». (اسراء، ۲۴)

عبارت «خفض جناح» در آیه به معنای باز کردن پر و بال بوده، که کنایه است از تواضع و خشوع و خضوع به صورت مبالغه آمیز و به همین دلیل و به همین مراد واژه جناح را مقید به ذلت کرده است و معنای آیه این است که: «انسان باید در برخورد و گفتگوی با والدین به گونه‌ای باشد که آن‌ها افتادگی و تواضع او را احساس کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۳: ۸۰)

باتوجه به این آیه هر فردی از جامعه باید با سالمندان بدون هیچ غروری برخورد کند چراکه آن‌ها پدر و مادران جامعه هستند و هر کدام برای رسیدن این جامعه به شگوفایی تلاش بسزایی داشته اند. لذا درست است که این سالمندان امروزه در جامعه حضور دارند ولی روزگاری جوان بوده و دارای موقعیت اجتماعی بالایی بوده‌اند پس باید با خضوع و فروتنی با ایشان برخورد کند.

۲-۲-۱-۲. رخصت دادن به سالمندان

خداوند متعال در سوره نور آیه ۶۰ می‌فرماید: «و پیر زنان که دیگر توان مادر شدن (زایش) را ندارند و امیدی دیگر برای ازدواج ندارند برای آن‌ها برخی از محدودیت‌ها (از جمله حجاب و...) وجود ندارد؛ در صورتی که زیورآلات‌های خود را نشان ندهند می‌توانند که لباس‌های خود را (مانند عبا و چادر و روپوش و امثال آن) را نزد نامحرمان نپوشند، و اگر عفت و تقوا داشته باشند، بهتر است».

واژه «قواعد»، به معنای پیر زنی است که نمی‌تواند کامجویی داشته باشد، یعنی دیگر کسی به خاطر سالخوردگیش با او ازدواج نمی‌کند، به همین جهت جمله «اللَّاتِي لا يَرْجُونَ نِكاحاً» توضیحی برای واژه قواعد است. برخی گفته‌اند: کلمه مذکور به معنای پیرزنی است که عادت ماهیانه نمی‌شود و اصطلاحا یائسه شده است. توضیح بعد از قواعد صرفا برای رفع خطا است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۵:۱۶۵)

واژه «تبرج» به‌معنای این است که پیرزن زیورها و زیبایی‌های خود را که باید بپوشاند نمایش دهد و این کلمه در اصل به معنای نشان دادن و نمایش دادن است، برج را هم به

همین جهت برج گفته‌اند که ساختمانی که ظاهر و پیدا است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۷:۱۵۴)

این آیه استثنایی است از عموم حکم حجاب، و به این معنا است که برای تمام خانم‌های مسلمان حجاب واجب است الا زنان سالخورده، که می‌توانند بی‌حجاب باشند، البته در صورتی که جاذبه و تبرج نداشته باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۵:۱۶۶)

جمله «وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» کنایه است از داشتن حجاب و پوشاندن خود، به این معنا که همین پیر زنان نیز اگر خود را بپوشانند بهتر از بی حجابی است. (همان، ۱۵:۱۶۷)

۲-۲-۱-۳. آیه جهاد با اهل کتاب

خداوند متعال در آیه ۲۹ سوره توبه دستور به جنگیدن با اهل کتاب داده است تا زمانی که این اهل کتابی که حرام‌های جامعه را حرام نمی‌دانند و با جامعه سر ناسازگاری دارند به خفت و خواری برسند و مجبور بشوند جزیه پرداخت کنند تا دیگر در مقابل قوانین جامعه اسلامی نمانند.

واژه «صاغِرون» در آیه ۲۹ سوره توبه، در که در لغت به معنی خواری و زبونی است، فروتنی و سرسپردگی اهل کتاب در برابر حکومت و جامعه اسلامی و التزامِ و پای بندی ایشان به احکام و قوانین اسلام و پرهیز از کارهای مقابله و مخالفت با شرایط ذمه ذکر شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۹:۲۴۲؛ مکارم شیرازی،۱۳۷۱ش، ۷:۳۵۰)

طبق روایات شیعه، این وضع برای اهل کتاب زمینه‌ساز برای مسلمان شدن آن‌ها است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳:۵۶۶) البته معانی دیگری نیز برای تحقیر و کوچک سازی ذمیان ذکر شده است، مانند گرفتن جزیه از ذمی با قدرت ونیز ذلیل کردن و خوار کردن او؛ کشاندن ذمی به عنف به محل دریافت جزیه از ذمیان، ولی این معانی قابل پذیرش نیستند چراکه مخالف با مقتضای آیه و سیاق آیات است و نیز سیره پیامبر اکرم و صحابیان بر خلاف این گونه و حتی تالیف قلوب بوده است. (قاضی، ۱۳۹۹ق، ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۵:۳۲؛ راغب، ۱۳۶۹ش، ۴۸۵).

باتوجه به معنا و تفسیر بیان شده مشخص می‌شود که یکی از وظایف مسلمین این است که اهل کتاب و مشرکان را تحقیر، زبون، خوار و کوچک کنند با دریافت جزیه و... و

نیز به تبلیغ اسلام هم بپردازند تا ایشان دست از لجاجت برداشته و به دین اسلام رو بیاورند. این آیه با روایت مطرح شده تضاد دارد چراکه این آیه امر می‌کند جزیه بگیرید و اهل کتاب را در سختی و خواری قرار دهید در روایت ذکر می‌کند که احترام بگذارید و از بیت المال مسلمین به پیرمرد نصرانی کمک کنید. این مطلب علی الظاهر باعث تقویت اهل کتاب می‌شود و هدف این آیه که زمینه سازی گرایش آن‌ها به اسلام باشد را تامین نمی‌کند.

پاسخ به این مطلب در بخش احادیث گفته خواهد شد و اطلاق این آیه با احادیث مقید می‌گردد.

۲-۲-۱-۴. آیه زکات (تالیف قلوب)

«صدقات (و انفاق ها) مخصوص فقرا وتهیدستان، بینوایان، مساکین و متصدیان [گردآوری و پخش] آن (افرادی که از ایشان نگهداری می‌کنند) و افرادی که به خاطر این صدقات به اسلام روی می‌آورند و دلشان متمایل به اسلام می‌شود و بردگان (آزادسازی آن ها) و مقروضین و بدهکاران و در راه خدا و افرادی که به ناچار در سفر مانده‌اند است. این صدقات به عنوان فریضه است و بر مسلمین واجبی از جانب خداست و پروردگار (شما) دانای حکیم است» (توبه، ۶۰)

مراد از عبارت «الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» کسانی‌اند که با پرداخت پول و حمایت مالی به اسلام یا همراهی با آن یا دفاع از آن مایل می‌شوند. شیخ طوسی معتقد است که منظور از این دسته اشراف زمان پیامبر اسلام ﷺ هستند که آن حضرت بخاطر تمایل آن‌ها به اسلام و کمک در جنگ یا دفاع از اسلام، سهمی از زکات برای آنان در نظر می‌گرفتند. (طوسی،۱۴۰۷ق، ۵: ۲۴۴) برخی دیگر گفته‌اند که منظور افرادی هستند که با پرداخت سهمی از زکات، به اسلام گرایش پیدا می‌کنند یا به مسلمانان در جنگ یا دفاع از اسلام یا برآوردن نیازهای دینی کمک می‌کنند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۹:۳۱۱؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳ش، ۳۴:۲۸۴-۲۹۵) بعضی این مورد را به کفار چه ذمی و یا غیر ذمی اختصاص داده‌اند، اما عده‌ای دیگر شامل مسلمانان نیز دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۶:۸۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۸:۹-۱۰) فاضل مقداد این مورد را منحصر به عصر پیامبراکرم ﷺ کرده و فتوای علمای شیعه در

عصر غیبت حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف را همین دانسته است. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳ش، ۱:۲۳۶) در مقابل علامه طباطبایی در تفسیر المیزان معتقد است که این مورد اختصاصی به عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ندارد و مانند موارد دیگر در همه اعصار ثابت است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۹:۳۱۴)

برخی نیز معتقدند که سهم کارگزاران و مؤلفة قلوبهم در عصر غیبت ساقط شده است. (طوسی، بی‌تا، ۵:۲۴۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۱۶:۸۹) شیخ طوسی علت آن را عدم حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کرده است. (طوسی، ۱۴۰۴ق، ۱۸۵) اما به اعتقاد آیت الله جوادی آملی، فقهای امامیه با استناد به روایات به ثبوت همیشگی سهم مؤلفه قلوبهم فتوا داده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۹۳ش، ۳۴: ۳۱۹-۳۲۰)

بنابراین مشخص شد که در عصر حاضر نیز مولفه قلوب وجود دارد و حکومت می‌تواند برای جذب کفار ذمی و غیر ذمی به جهت حفظ منافع یا گرایش به اسلام یا توسعه حکومت از این خرج کرد بیت المال استفاده نماید اما نکته مهم این است که این آیه موید روایت و ناقض حکم دریافت جزیه نیست چرا که اولا جزیه گرفتن برای خواری افراد سرکش است و دادن این زکات برای جذب افراد قدرتمند به اسلام است و دوما مراد از روایت فرد ناتوان و فقیر است که خود توانایی انجام کارهای خود را ندارد و سربار جامعه به اصطلاح شده است که حتی توان انجام امور دنیوی خود را ندارد. این فرد نه تنها برای جامعه اسلامی سودی ندارد بلکه علی ظاهر برای جامعه مخارجی دارد. بنابراین حکم امیرالمونین علی علیه السلام از باب این آیه نبوده و ایشان به خاطر تالیف قلوب به این سالمند نصرانی کمک نکردند.

۲-۲-۲. تشکیل خانواده حدیثی

یکی از راه‌های فهم روایات، مطابقت آن‌ها با دیگر روایات و تشکیل خانواده حدیثی است که باعث می‌شود، مقصود معصومان علیهم السلام بهتر شناخته شود؛ باید این نکته را در نظر گرفت که تمام امامان علیهم السلام از نظر شیعه معصوم‌اند و به همین دلیل، روایات آن‌ها فرقی با هم ندارند. چون مصون از خطا و اشتباه‌اند و فقط از واقعیات و حقایق سخن می‌گویند و

بنا بر روایت امام صادق علیه‌السلام که می‌فرمایند: «علم ما واحد است و فضل ما واحد می‌باشد و ما یکی هستیم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۶: ۳۱۷) سخن یکی از اهل‌بیت علیهم‌السلام، هیچ‌گاه با سخن دیگری متضاد و مخالف نیست بلکه مکمل و مفسر هست و لذا برای فهم درست روایات باید به سایر روایات مراجعه کرد. (دلبری، ۱۳۹۱ش، ۵۱)

بدیهی است که تشکیل خانواده حدیثی از این جهت قابل ملاحظه است که با دیدن روایات مشابه و بعضاً در ظاهر معارض نسبت به دیدگاه وسیع اهل‌بیت علیهم‌السلام صمت و طهارت علیهم‌السلام در موضوع مورد بحث علم حاصل می‌شود و با کنار هم قرار دادن تکه‌های کلام معصومان علیهم‌السلام مانند پازل، به معنا و مقصود واقعی و حقیقی کلام ایشان دست یافت و در نتیجه منجر به فهم بهتر و کامل‌تر آن روایات یا جمع بین آن‌ها یا نهایتاً ترجیح یک دسته از آن‌ها و طرح دسته‌ای دیگر بشود. (حسینی زیدی، کبیری راد، دلبری، ۱۴۰۰ش، ۲۹۰)

در این بخش به تشکیل دو دسته روایت موافق و مخالف پرداخته می‌شود و آن‌ها بررسی می‌گردند. روایاتی که تأییدکننده محتوای روایت اصلی است را، روایت مؤید و روایت‌های مخالف روایت اصلی را روایات مخالف نامیده می‌شود.

۲-۲-۲-۱. روایات موافق

در این دسته از روایات روایاتی ذکر شده است که اولا؛ صراحت در احترام و پرداخت حق پیرمرد را دارد و ثانیا؛ در مورد عموم سالمندان است، بدون در نظر گرفتن دین و... آنان. در بخش بعد روایات مؤید ذکر شده است که در آنها حقوق سالمند غیر مسلمان یا مباحث فقهی ذکر شده است که مشخص می‌شود که سالمندان حقوق خاصی دارند و باید موقعیت ویژه‌ای برای آنها در نظر گرفت.

۲-۲-۲-۱-۱. روایت‌های صریح

۱. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: سالخوردگان را بزرگ و گرامی بدارید، زیرا احترام به سالمندان به منزله احترام و بزرگداشت به مقام الهی است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۵:۱۳۶).

۲. عبد الله بن سنان گوید: امام صادق (علیه السّلام) به من فرمودند: به درستی که از

(جایگاه‌های) احترام به خدا عز و جل، گرامی داشت، احترام سالخوردگان است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲:۶۵۸)

۳. امام صادق علیه‌السلام از پدرانشان علیهم‌السلام از جدشان رسول الله علیه‌السلام نقل می‌کنند: هر کسی سالمندی را به خاطر کهولت سنش احترام نماید، خداوند او را از سختي های و ترس‌های قیامت ایمن می‌گرداند. (همان)

۴. قَالَ رَسُولُ اَللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: هیچ جوانی به سالمندی احترام نمی‌گذارد و او را گرامی نمی‌دارد جز آن کسی که که خدا مقدر کند برایش فردی را که در کهنسالی به او احترام گذارد و او را گرامی بدارد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۷:۱۳۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۸:۳۹۳)

۵. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: کسی که شان و منزلت سالمندان را بداند و به خاطر کهنسالیشان، آنان را محترم بدارد، خداوند عز و جل چنین فردی را از وحشت و ترس روز قیامت در امان نگه می‌دارد. و باز آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: که احترام به سالمندان با ایمان همانند تعظیم و بزرگداشت مقام خداوند عز و جل است. (مجلسی، ۱۴۰۷ق، ۷۵:۱۳۷)

۶. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: جوانی که پیر سالخورده‌ای را محترم بشمارد و گرامی بدارد؛ پروردگار شخصی را در هنگام پیری او قرار می‌دهد تا او را گرامی بدارد. (همان)

۷. رسوال الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: برکت (زندگی و امال و...) همراه با سالمندان شما است. (همان)

۸. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله: پیران در خانواده خود همانند پیامبرانند در میان پیروانشان. (همان).

۹. در حدیثی قدسی پیامبر از خداوند نقل می‌کنند: خداوند هر صبح و شام به صورت سالمند مؤمن می‌نگرد و می‌فرماید: بندهٔ من پیر شده‌ای، استخوان و بدنت ضعیف گردیده است و پایان عمر تو نزدیک است تا به ملاقات من بیایی، از من حیاء کن و من هم از پیری تو حیا می‌کنم و تو را عذاب نمی‌کنم. (همان، ۷۰:۳۹۰)

۱۰. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: کسی که موی او در اسلام سپید شود (درخدمت به اسلام سالمند گردد) روز قیامت برای او نور است. (پاینده، ۱۳۸۲ش، ۵۸۴)

۱۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله: هنگامی که خداوند برای اهل خانه ای نیکی بخواهد، آنان را در

دین دانا و فقیه می‌سازد و خردسالان و جوانان شان به سالخوردگان شان احترام می‌گذارند و قناعت و اعتدال در خرج و معیست را نصیب آن‌ها می‌سازد و عیب‌ها و خطاهایشان را به آن‌ها می‌نمایاند تا از آن توبه کنند و بازگردند و اگر برای آن‌ها جز این خواهد (شر خواهد)، به خودشان واگذارشان می‌کند. (نوری، ۱۴۰۸ق، ۸:۳۹۲)

۱۲. حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هیچ جوانی پیری را به خاطر پیری او احترام نمی کند مگر این که خدا کسی را از پیش آماده می کند تا آن جوان را هنگام پیری گرامی دارد و احترام کند. (همان)

۱۳. امام صادق علیه‌السلام از جدشان رسوال اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کنند: از ما نیست کسی که به بزرگ سالان ما حرمت ننهد و با خردسالان ما مهربان نباشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲:۱۳۷)

۱۴. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:به شما بگویم بهترین شما چه کسی است؟ گفتند: آری یا رسول خدا، فرمود: بهترین شما پیرترین و کهنسال ترین شما در راه راست است. (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۱۶۸)

۱۵. امام علی علیه‌السلام در وصیت خود به امام حسن علیه‌السلام می‌فرمایند: با کودکان خانواده‌ات با مهربانی و محبت برخورد کن و بزرگان خانواده‌ات را بزرگدار و به ایشان احترام گذار. (همان، ۸:۳۹۴)

۱۶. امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: از حقوق همکیشان و همدینان تو بر تو آن است که..... (در نظر تو) پیرمردانشان مانند پدرت، جوانان آن‌ها به همانند برادرت، پیرزن هایشان هم چون مادرت و کودکانشان مانند فرزندانت باشند..... (حرعاملی، ۱۴۰۷ق، ۱۵:۱۷۲)

در این روایات نشان داده شده که حق سالمندان چگونه است و حکومت و مردم چه وظیفه‌ای نسبت به آن‌ها دارند و جامعه نیز باید آن‌ها را همچون خانواده خود پذیرا باشند و حقوق آن‌ها را بپردازند.

۱۷. وصیت امام علی علیه‌السلام در هنگام وفاتش به امام حسن علیه‌السلام : با خوردسالانتان مهربان باش و سالمندانتان را بزرگشمار و احترام گذار. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۲:۱۳۷)

۱۸. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: جایگاه و قدر سالمندان در خانواده شان مانند جایگاه و مقام انبیا در جامعه است. (همان)

در این روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام همواره به ترغیب احترام خاص گذاشتن به سالمندان می‌پردازند و از عموم روایات برداشت می‌شود که هر کسی به سالمندان احترام نگذارد و حق آنان را زیر پا بگذارد نه تنها فعل حرامی انجام داده است بلکه حقوق آن‌ها را که هم تراز حق خدا و رسول اوست، مد نظر نگرفته است.

نکته مهم قابل ذکر این است که روایات مطلق بیان شده است و هر سالمندی با هر اعتقاد و.... باید به آنها احترام بگذارند و مهم‌تر از آن زمانی که مردم موظف به رعایت حقوق سالمندان و احترام به آنان هستند، حکومت که مجری قوانین است نه تنها باید بر اجرای وظایف و احقاق حقوق سالمندان نظارت کند بلکه با وضع قوانینی از این قشر حمایت کرده و با متخلفان برخورد کند.

۲-۲-۲-۱-۲. روایت‌های مؤید

این روایات به‌صورت مستقیم و صریح به مساله حقوق سالمند اشاره ندارد ولی احکام و... بیان شده است که به دلالت التزامی حقوق آنها را اثبات می‌کند.

۱. علی بن جعفر برادر امام موسی کاظم علیه‌السلام گوید: از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام پرسیدم: کسی که بر او واجب است یک بنده را آزاد کند و می‌خواهد برده‌ای را آزاد نماید، کدام بهتر است: آیا پیرمردی کهن‌سال را آزاد کند یا جوانی که هنوز موی صورتش در نیامده (به بلوغ نرسیده) است؟ امام علیه‌السلام فرمودند: آزاد کردن پیرمرد سالخورده ناتوان فضیلت بیشتری از نوجوان دارد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶:۱۹۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۸:۲۳۰؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳:۸۵، حمیری، ۱۴۱۳ق، ۱۱۹)

در این جا مشخص می‌شود با اینکه از نظر عقلی آزاد کردن جوان بر سالمند برتری دارد چرا که جوان آینده دارد و زمانی که آزاد باشد می‌تواند به جامعه خدمات زیادی برساند ولی امام علیه‌السلام به‌خاطر احترام و ضعف بدنی سالمند امر می‌کند که سالمند را آزاد کن بدون در نظر گرفتن دین و... آن که این نشان‌دهنده احترام و حقوق خاصه ایشان است که اگر مساله آزادی و... باشد باید سالمندان را بر جوانان مقدم داشت.

۲. امام محمد باقر علیه‌السلام در مورد کسانی که لازم نیست روزه بگیرند و روزه از آن‌ها ساقط شده است در تفسیر آیه ۱۸۴ سوره بقره می‌فرمایند: ((لازم است کفّاره بدهند: مسکینی را

اطعام کنند. (بقره/۱۸۴))؛ منظور، آیه کسانی هست که پیر و سالم‌اند، و کسی که تشنگی بر او غلبه می‌کند، ایشان عوض روزه گرفتن فدیه (کفاره) می‌پردازند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴:۱۱۶)

با توجه به این روایت سالمندان حتی برخی از قوانین و واجبات الهی همچون روزه برایشان واجب نیست و شارع مقدس ایشان را از این فریضه الهی بخاطر ویژگی هایشان معاف کرده است. به همین جهت در ساختار جامعه اسلامی باید قوانین متناسب این افراد وضع شود و اگر با زندگی روزمره ایشان تنافی دارد باید تمهیدات ویژه اندیشید.

۳. محمّد حلبی گوید: از امام جعفر صادق علیه‌السلام پرسیدم: هرگاه در پایان طواف از کثرت جمعیّت نتوانستم حجر الاسود را استلام (لمس) کنم چه حکمی دارد؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پیرمرد سالخورده، ناتوان و بیمار رخصت و اجازه دارند (که حجرالاسود را لمس نکنند) و من دوست ندارم که لمس کردن حجر الاسود را ترك نمایی مگر این که ناچار باشی. (همان، ۴:۴۰۵)

این روایت در مورد یکی از مستحبات موکد در مورد لمس و استلام حجرالاسود است که می‌فرماید افراد سالمند بخاطر ویژگی‌های بدنیشان اشکالی ندارد که استلام نکنند ولی سایرین مگر به ناچار باید استلام کنند.

۴. از ابراهیم بن أبی زیاد کرخی روایت شده است که گفت: به امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض کردم: شخصی که بسیار پیر و ناتوان شده و از شدّت ضعف و سستی نمی‌تواند به مستراح (دستشویی) برود و توان انجام رکوع و سجود در نماز را ندارد، چه باید بکند؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: برای رکوع و سجود نماز باید با سر خود اشاره کند، و اگر کسی را برای کمک داشته باشد که سجّاده یا مهر را برایش بلند کند (و به پیشانی او بچشباند) بر همان مهر سجده کند، و اگر چنین کسی نباشد تا وی را یاری نماید با سر خود بسوی قبله اشاره کند. عرض کردم: برای روزه چه کند؟ امام علیه‌السلام فرمودند: اگر شخص به این درجه از ناتوانی و ضعف برسد، خداوند تکلیف روزه را از او ساقط کرده است. اگر می‌تواند به جای هر روز یك مدّ طعام تصدق (فدیه دادن) کند این کار نزد من بهتر است، و اگر نمی‌تواند، یا به آسانی برایش امکان ندارد، تکلیفی بر عهده او نیست (و لازم نیست کاری انجام دهد). (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱:۳۶۵)

در این روایت نیز به سالمندان اهمیت ویژه‌ای داده شده است و با توجه به شرایط زندگی آن‌ها در جهت سهولت سازی زندگی ایشان قوانین تغییر یافته است حتی در این روایت نماز به اشاره و روزه به کفاره تبدیل شده است که حتی اگر فرد به راحتی نتوانست کفاره بدهد حتی کفاره نیز از او ساقط می‌شود. روزه که یک واجب مسلم در اسلام است و هیچ شک و شبهه‌ای در آن وجود ندارد برای سالمندان برداشته شده است و حتی کفاره آن نیز برای سهولت در زندگیشان برداشته شده است و حکومت نیز بسیار از قوانین که زندگی ایشان را سخت می‌کند و برخی از پرداخت‌ها که باعث سختی ایشان می‌شود را باید از سالمندان معاف کند.

۵. حفص بن غیاث (یکی از قاضی‌های اهل سنت) گفت: از امام جعفر صادق علیه‌السلام در بارۀ بانوان سؤال کردم که: چگونه جزیه از ایشان ساقط و برداشته شده است؟ پس امام صادق علیه‌السلام فرمودند: این به خاطر آن است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از کشتن زنان و کودکان در دار الحرب و قتال (میدان نبرد) نهی فرموده‌اند، مگر آنکه زنان در جنگ شرکت داشته باشند (خود زنان شمشیر بکشند و بجنگند)، و حتّی در این مورد نیز ایشان فرموده اند: و زن اگر چه در جنگ هم شرکت کند، تا آن جا که برای تو ممکن است، و از جانب او ترس پدید آمدن خللی و مشکلی در جبهۀ مسلمین نداشته باشی (که باعث شکست مسلمین شود) از کشتنش خودداری کن. پس در صورتی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از کشتن زنان در دار الحرب و میدان نبرد نهی فرموده‌اند، این رعایت در دار الاسلام و سرزمین اسلامی و حکومت اسلامی بالاتر است، و اگر زن از پرداختن جزیه امتناع کند و آن را نپردازد کشتنش جایز نیست. پس چون قتل و کشتن او ممکن نیست، جزیه از او برداشته شده است و وی لازم نیست جزیه بپردازد. و اگر مردها از پرداختن جزیه امتناع کنند و آن را نپردازند، پیمان و عهد خود را با حکومت اسلامی شکسته‌اند، و خونشان و کشتن‌شان حلال است. زیرا کشتن مردها در دار الشّرك و الذمّه مباح و حلال است، و همچنین از شخص زمین‌گیر و ناتوان از اهل شرك و ذمّه و شخص نابینا و سالمند ناتوان فرتوت و زن و کودکان در دار الحرب جزیه برداشته شده است. (همان، ۲:۵۲) و (همان، ۵:۲۹)

این روایت دقیقا دو بحث کلی را مطرح می‌کنند که اولا؛ جزیه که در ابتدای بحث، آیات آن گذشت از برخی اقشار اهل کتاب ساقط شده است و حکومت نباید از آنها دریافت کند چرا که آنان ضعیف‌اند و حتی در جنگ هم اجازه کشتن و جنگیدن با آن‌ها نیست چه رسد به زمان صلح که به طریق اولی ساقط است.

جزیه برای ضعیف کردن مردان قوی و جوانان و... وضع شده است و افرادی که خود دارای ضعف‌اند و توان مقابله با جامعه اسلامی را ندارند واجب نیست. پس به طریق اولی افرادی که از نظر مالی ضعیف و فقیرند نباید جزیه بپردازند و در مقابل، با توجه به روایت اصلی باید در صورت نیاز، از بیت المال به این اقشار پرداخت‌هایی صورت بگیرد تا زیر بار زندگی نمانند و دست نیاز دراز نکنند. نکته مهم‌تر این‌که در مورد سالمند مسلمان، این حکم غلظت بیشتری دارد و جامعه اسلامی نه تنها نباید از وی مالیات بگیرد بلکه باید در صورت نیاز از بیت المال مخارج زندگی وی را تأمین کند.

۲-۲-۲-۲. روایات مخالف

در این بخش به بررسی روایاتی که با روایت اصلی از نظر محتوایی تنافی دارند پرداخته می‌شود. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که روایت اصلی در چه وضعیتی از نظر صحت و سقم و نیز اطلاق و تقیید و... است. ممکن است که روایتی در جایی بیان شود و پس از آن اطلاق روایت قید بخورد که در این بخش مشخص می‌شود.

این بخش دارای دو دسته روایت کلی است که اولا؛ روایت‌هایی که در آن مسلمان بودن سالمند و حقوق آن ذکر شده است که چون روایت اصلی بیان می‌کند که پیرمرد نصرانی بوده است با آن تنافی دارد و سپس روایاتی که در مورد برخی احکام هیچ مصامحه‌ای با حتی سالمندان ندارد ذکر شده است که حتی در برخی موارد به مقابله با آن‌ها پرداخته شده است.

۲-۲-۲-۲-۱. روایات مقابله با سالمندان

۱. «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر زمان دیدید در روز جمعه پیرمرد سالخورده‌ای اخبار و حکایات جاهلیّت را برای سایرین تعریف می‌کند به او را سنگ بزنید (تا دست از این کار

بکشد) اگر چه با سنگریزه باشد. مرجوم صدوق در ذیل این روایت می‌فرماید که «مراد آن است که نصیب و اجرت آن پیرمرد سنگ است مانند «احثوا التراب في وجوه المدّاحين» که گفته‌اند منظور آنست که چیزی به عنوان مزد و اجرت به آنان ندهید.». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ۱:۴۲۳)

این روایات به‌صراحت نقل می‌کند که درست است سالمند حقوقی دارد و باید احترام وی حفظ شود ولی این‌گونه نیست که آزادی مطلق داشته باشد و هر چه خواست بکند و هرچه می‌خواهد بگوید. بلکه وی چون بزرگ جامعه محسوب می‌شود باید مراقب گفته‌ها و عمل خود باشد و در صورتی‌که با کیان اسلام و جامعه اسلامی مقابله کند باید جلوی وی ایستاد و به‌شدت با وی مقابله کرد. حتی این مقابله باید با این قشر شدیدتر هم باشد چرا که ریش‌سفید و الگوی جامعه‌اند و مردم به حرف آنان بیشتر دقت می‌نمایند همان‌گونه که روایت این حکم را خاص شیخ و سالمند کرده است.

۲. امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: هر زمان که عمر مردان از سی سال عبور کند «میان سال» است، و هنگامی که از چهل بگذرد «پیرمرد» است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۷:۳۰۲)

نکته مهم در این روایت سن است که با عرف امروز نمی‌سازد و سالمند در این روایت بیش از ۴۰ در نظر گرفته شده است که امروزه ۴۰ سال را برخی جوان می‌انگارند. و با توجه به روایت باید برای افارد بالای چهل سال این خدمات ویژه‌ای که گفته شد در نظر گرفته شود.

۳. امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: خداوند با سه گروه در روز قیامت سخن نمی‌گوید (آن‌ها را شاعت نمی‌کند) و به آن‌ها نظر (رحمت) نمی‌کند، و آنان را پاکیزه نمی‌کند (از گناه آن‌ها نمی‌گذرد) و برای آن‌ها عذاب دردناکی و سختی در نظر گرفته است: سالمند و کهنسالی که زناکار است، پادشاهی که ظلم و ستمگر می‌کند و فقیری که مستکبر است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲:۳۱۱)

۴. حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام به نقل از رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ضمن سخنی از سخنان خود می‌فرمایند: پدر و مادر خود را آزار ندهید، زیرا کسانی که والدینشان را آزار دهند بوی بهشت از مسافت هزار سال به مشامشان نمی‌رسد،

همچنین کسانی که عاق والدین شدند و نیز صله رحم انجام نمی‌دهند و پیرمردی که زناکار است و آن کسی که جامه‌اش را از روی تکبر و فخر فروشی بر زمین می‌کشد نیز نمی‌تواند بوی بهشت را حس کند،..... (همان، ۲:۳۴۹)

۵. امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: سه دسته را خداوند متعال بدون حساب و کتاب به بهشت می‌برد و سه دسته را بدون حساب به جهنم می‌فرستد. آنان که بدون حساب به بهشت می‌روند پیشوا و حاکم عادل است و دیگر تاجر راستگو سوم سالمندی که عمر خود را در اطاعت و فرمانبرداری خدا سپری کرده باشد و آنان که بدون حساب به جهنم می‌روند: پیشوا و حاکم ظالم و ستمکار است و دیگر تاجر دروغگو و دیگر کهنسال زناکار است. (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش، ۱:۸۰)

ظاهرا مراد از سوم نفری که بی حساب به بهشت می‌رود، این است که دوران پیری و سالخوردگی خود را صرف عبادت و طاعت حق تعالی کرده باشد که عبادت در دوران پیری کفاره گذشته و جوانی است. « إِنَّ اَلْحَسَناتِ يُذْهِبْنَ اَلسَّيِّئاتِ » نه آن که تمام عمر و زندگی خود را تا زمان پیری و مرگ در اطاعت و عبادت خداوند سپری کرده باشد؛ زیرا در این صورت قسم دیگری در مقابل قسم دوم که بدون حساب به جهنم می‌روند، نخواهد بود و هم چنین نفر سوم جهنمی که پیری است که مشغول زنا است نیز به همین مقصود است که منظور از زناکار بودن در دوران پیری و سالخوردگی است؛ هر چند در دوران جوانی و نوجوانی پاکدامن و پرهیزکار بوده باشد.

۶. رسول خدا محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: هیچ چیز در دنیا نزد خداوند عزّ و جل محبوبتر از جوانی که توبه می‌کند نیست، و هیچ چیز در دنیا نزد خداوند بد تر و مبغوض تر از پیرمرد زناکار (و گناهکار) نیست. (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۱۷۲)

در این روایات حکم خاصی مانند فجور و زنا برای فرد سالمند از شدت بیشتری و ممنوعیت بیشتری سخن می‌گوید چراکه روایت مطلق زناکار را مستحق آن عذاب ندانسته بلکه زناکار سالمند که خود الان الگوی جامعه و ریش‌سفید آن محسوب می‌شود را ذکر می‌کند و در اجرای احکام شرعی برای آنان نه تنها مسامحه نکرده بلکه با شدت بیشتری امر به بازداری آن‌ها می‌کند و عذاب‌های بسیار زیادی برای آنان متذکر می‌شود.

۲-۲-۲-۲-۲. روایت سالمند مسلمان

در روایت اصلی دو نکته قابل بحث است اولا؛ باید به وضعیت معیشتی سالمند رسیدگی شود و دوم؛ سالمند اگر مسلمان نباشد نیز باید خدماتی به وی گردد.

نکته دیگر که از عبارت «استعملتموه» در روایت مورد بحث استفاده می‌شود این است که این سالمند دوران جوانی‌اش را در جامعه اسلامی صرف کرده و به مسلمین خدمت رسانده است ولی امروز که ناتوان گشته است، جامعه وی را طرد کرده است و از نظر حضرت علی علیه‌السلام حکومت اسلامی موظف است در مقابل به وی این خدمات را داشته باشد.

در این بخش به ذکر روایاتی می‌پردازیم که احترام و جلال سالمند را در جامعه مشخص می‌کند و وظیفه متقابل حکومت نسبت به آنان را روشن می‌سازد. البته در این روایات قید شده است که سالمند باید مسلمان باشد و از نظر مسلمان بودن با روایت اصلی تنافی دارد که راه حل آن در آخر بیان می‌گردد.

۱. امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: از موارد تجلیل و بزرگداشت خداوند منان، احترام کردن به مسلمان سپید موی و سالمند است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲:۱۶۵)

۲. «اسحاق بن عمار»، گفت: از ابا الخطاب شنیدم که از قول امام جعفر صادق علیه‌السلام گفت که امام علیه‌السلام فرمودند: سه نفر که حق آن‌ها را نباید نادیده گرفت و حق آن‌ها را باید تمام و کال پرداخت نمود مگر شخص که منافق است و به نفاق معروف است. (راه شناخت منافق این چنین است) سالمندی که مویش در اسلام سفید کرده و آن کسی که قرآن را حفظ کرده و سوم پیشوای و حاکم عادل (شاید مراد از پیشوای عادل امام معصوم باشد). (همان، ۲:۶۵۸)

در این روایت به‌وضوح، از حق و جایگاه صحبت شده است و به نظر امام علیه‌السلام فقط و فقط انسان منافق حقوق سالمندان را رعایت نمی‌کند و حق ایشان با حق امام عادل یکی در نظر گرفته شده است. بنا بر این روایت حق سالمندان بسیار زیاد و خاص بوده و فردی که آن را زیر پا بگذارد منافق است و احکام نفاق بر آن مترتب می‌گردد.

۳. «عبد الله بن سنان» گوید: که امام جعفر صادق علیه‌السلام به من فرمودند: از جمله موارد احترام و گرامی داشت، خدای عزّ و جلّ احترام و گرامی داشت پیرمرد و سالمند سفیدموی مؤمن است و هرکس که مؤمنی را احترام کند وگرامی دارد، به بزرگداشت و گرامی داشتن خداوند عزّ و جلّ را آغاز کرده است، و هرکس که مؤمن سالخورده سپیدموی را سبك شمارد، خدای عزّ و جلّ کسی را برای او قرار می‌دهد تا قبل از مرگش، او را سبك شمارد و به وی بی احترامی کند. (همان)

۴. زریق می‌گوید: از امام جعفر صادق علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمودند: چیزی را سریعتر از سپید شدن موی مؤمن (سالمندشدن مومن) نیافتم، همانا این سالمندی و موی سپید در دنیا برای مؤمن بزرگ منشی و وقار و در روز قیامت نوری تابنده به ارمغان می‌آورد. (همان، ۷۲:۱۳۸)

۵. امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام از رسول خدا حدیث قدسی نقل می‌کنند که خداوند می‌فرماید: من از بنده خود شرم دارم و حیا می‌کنم که او را عذاب کنم با وجود این که مویش را در اسلام سپید کرده است (وسالمند شده است). (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ۷۲:۱۳۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۸:۳۹۲)

۲-۳. جمع بندی اعتبار سنجی

با توجه به خانواده حدیثی مشخص می‌شود که روایت مطرح شده از نظر دلالی کاملا معتبر است و روایت مطرح شده صحیح است چرا که بزرگداشت حقوق سالمندان فارغ از اعتقادات آنها امری مشخص و صریح در اسلام است اگر چه رعایت حق سالمند مسلم و مؤمن واجب‌تر و اؤلویت بیشتری دارد اما به هیچ وجه از نظر انسانی و اسلامی نباید به هیچ سالمندی ظلم گردد. شکی در این نیست که در جامعه اسلامی، مسئولان باید به هر کسی که ضعیف، بیمار و فقیر باشد کمک کنند تا بیماری و فقر و... از بین برود و این از اهداف اصلی تشکیل حکومت اسلامی است. مردم و مسئولان باید از نظر مالی و... فقرا را تأمین کنند چرا که در روایات مطرح شده، حکم جزیه توسط روایات محدود شده و از حالت مطلق خارج شده است (ر.ک: همین مقاله بخش ۳-۲-۱-۲ روایت ۶و۷) ولی موارد

مصرف زکات که در آیه مطرح شده است، به اطلاق خود باقی هستند. با توجه به آیه تالیف قلوب هم نمی‌توان برداشت کرد که این پرداخت از باب تالیف قلوب است، چرا که طبق تفاسیر و سیره تالیف قلوب مربوط به رهبران و بزرگان اهل کتاب بوده است.

۳) نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب مطرح شده و تطابق روایت با قرآن و خانواده حدیثی و عقل سلیم مشخص شد که روایت «اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» صحیح است و خدشه‌ای در مفاد آن وارد نمی‌باشد. بر مبنای آن باید حقوق همه سالمندان فارغ از دین و اعتقادات آنان رعایت گردد و به آن‌ها احترام گذاشت البته این احترام باعث نمی‌شود که ایشان در جامعه آزادی کامل داشته باشند بلکه حقوق خاصی برای آنان در نظر گرفته شده است و همینطور در برخی موارد برخورد شدیدتری با سالمندان نسبت به سایر اقشار می‌گردد.

نکته قابل توجه این است که بر اساس خانواده حدیثی نه تنها در جامعه اسلامی پرداخت جزیه از سالمندان برداشته شده است بلکه پرداخت مالیات و... از ایشان نیز با ضوابط خاص برداشته شده است و همین حکم را فرد فقیر، زنان، معلولان و... دارند.

فهرست منابع:

قرآن مجید.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۳ش.

ابوعبیده، معمر بن مثنی، **مجاز القرآن**، مکتبة الخانجي، مصر، ۱۳۸۱ق.

ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم، **الخراج**، بیروت، لبنان، دارالمعرفه، ۱۳۹۹ه، ۱۹۷۹م.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، محقق / مصحح: محدث، جلال الدین، دار الکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ق.

پاینده، ابو القاسم، **نهج الفصاحة** (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ش.

جوادی آملی، عبدالله، **تسنیم**، انتشارات اسرا، تهران، ۱۳۹۳ش.

حمیری، عبد الله بن جعفر، **قرب الإسناد** (ط- الحدیثة)، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۱۳ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، محقق: داوودی، صفوان عدنان، دار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲ق.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة**، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ش.
شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، **معانی الاخبار**، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
طباطبایی، محمدحسین، **المیزان في تفسیر القرآن**، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ق.
طبرسی، علی بن حسن، **مشکاة الأنوار في غرر الأخبار**، المکتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ق.
طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان في تفسیر القرآن**، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
طوسی، محمد بن الحسن، **تهذیب الأحکام** (تحقیق خرسان)، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
طوسی، محمد بن حسن، **التبیان في تفسیر القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
طوسی، محمد بن حسن، **رجال طوسی**، محقق: قیومی اصفهانی، جواد، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۲۷ق.
طوسی، محمد بن حسن، **فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول**، محقق: طباطبایی، عبد العزیز، مکتبة المحقق الطباطبائي، قم، ۱۴۲۰ق.
طوسی، محمد بن حسن، **النهایه**، دار الکتاب العربي، بیروت، ۱۴۰۰ق.
فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر**، دار إحیاء التراث العربي، بیروت، ۱۴۲۰ق.
کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
مجلسی، محمد باقر، **بحار الأنوار**(ط - بیروت)، دار إحیاء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳ق.
مستدرك الوسائل و **مستنبط المسائل**، نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۷ق.
مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۷۱ش.
نجاشی، احمد بن علی، **رجال نجاشی**، محقق: شبیری زنجانی، موسی، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۵ش.
حسینی زیدی، سید ابوالقاسم، کبیری راد، محسن، دلبری، سید علی، **روایت «فُقَهَاءُ ذَلِکَ الزَّمَانِ شَرُّ فُقَهَاء تَحْتَ ظِلِ السَّمَاءِ» در ترازوی نقد**، کتاب قیم، شماره ۲۴، ۱۴۰۰ش، صص ۲۸۵-۳۰۱.
طبرسی، علی بن حسن، **مشکاة الأنوار في غرر الأخبار**، المکتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ق.